



A corner of the great Sipah Square, Tehran.

گوشه ای از میدان سپه در طهران

CHANGING IRAN

by

ST. JOHN CHADWICK

تحولات در ایران

بقلم سینت جان چادویک

ترجمه - م. م.

Iran is among those rare countries, rapidly diminishing in number, which are still, one feels when visiting them, totally unsophisticated and unspoilt. Here are towns where one may sleep or dine in comfort, and yet be surrounded by the atmosphere of a culture as old as history itself: Tehran, with its modern hotels, broad avenues and spacious sidewalks; Isfahan, of which the Persians wrote: "This is half the world"; Shiraz, with its royal gardens and its roses.

ایران یکی از کشورهای کمی نظیری است که شماره آنها سرعت کم شده و باوجود این هنگامیکه شخص بدیدن و سیاحت آنها میرود احساس میکنند که باوجود اخذ تمدن جدید مطلقاً تمدن قدیم خود را از دست نداده و ضایع نشده اند. در این کشور شهرهائی وجود دارد که تمام وسائل جدید در آن مهیا بوده و انسان میتواند در کمال راحتی غذا خورده و استراحت کند و در عین حال در اطراف خود

The dominant features of the Iranian landscape are two mountain ranges: one towering over and guarding the approaches from the west; the other, the volcanic Elburz, running



Fountain in Shah Abbas's Summer Palace at Isfahan called the House of Forty Pillars.

فواره‌های کاخ تابستانی شاه عباس در اصفهان
موسوم به عمارت چهل ستون .

آناز و نشانه های فرهنگی را ببینند که بقدمت تاریخ میباید . تهران با مهمانخانه های مدرن خیابانهای وسیع و پیاده روهای جادار خود ، اصفهان که ایرانیها در نوشته هایشان آنرا به نام نصف جهان یاد کرده اند و همچنین شیراز با باغهای سلطنتی و گلپای سرخس نمونه از شهرهای ایران است .

مشخصات سر زمین ایران عسارت از دو سلسله جبال است . رشته اولی در جانب باختر کشور واقع بوده و راهپائی را که از مغرب بطرف ایران پیش میاید حراست میکند . دومی کوه آتشفشان البرز است که در امتداد مرزهای شمالی کشور از مغرب به مشرق امتداد دارد . به این دو سلسله جبال باید سر زمین های پست و بلندی را که در شمال و مشرق بوشهر واقع در خلیج فارس ، وجود دارد اضافه کرد . در پشت سلسله جبال اولی که میتوان آنرا دیوار باختری نیز نامید فلات بزرگ ایران قرار دارد که از آبگاتان شروع شده و تا نزدیکی باوچستان و تپه هائی که در دامنه های سلسله جبال هیمالیا وجود دارد امتداد مییابد . قسمت اعظم این فلات بزرگ از بیابانهائی تشکیل شده که فرسخ ها وسعت دارد . زمین این بیابانها پر از شن و سنگ بوده و بیوسته پر آن باد وزیده و در فصل بهار بوشیده از بوته ها و گلپای سفید میگردد . ولی بزودی در اثر حرارت آفتاب سوخته و تبدیل به برگ های خشک و پلاسیده میشود . در بعضی نقاط این اراضی کوههای کوچکی وجود دارد و در پاره از بخش ها زمین تبدیل به شزارهای بیصرفی میگردد مانند دره سایه مرگ ، که در کنار جاده قرار دارد که تهران را به شهر مقدس قم ، که دارای گنبد های طلائی بوده



The country keeps its age old beauty:
a scene in the Shimram hills.

کشور ایران زیباییهای باستانی خود را حفظ کرده
است. یک منظره دلاویز از کوهستانهای شمیران

from east to west along the northern frontiers of the country; to these should be added the harsh mountainous land north and east of Bushire on the Persian Gulf. Behind the first, the western wall, and protected by it, stretches the great Iranian plateau; from Ecbatana to the nearer reaches of Baluchistan and to the foothills of the Himalayan ranges roll mile on mile of boulder-strewn, windswept desert; carpeted in spring by unending acres of bright flowers and shrubs which shrink under the summer sun to dust and shrivelled leaves, and relieved now and again by smaller ranges; at other times lapsing into sheer sandy waste, such as the well-named 'Valley of the Shadow of Death', which lies athwart the road southwards from Tehran to the holy city of Kum, with its gold-domed mosque and parched scorpion-infested river-bed.

و در بستر رودخانه خشک آن عقرب
زبادی یافت میشود، متصل میکند.
با ترن از بغداد بقصد ایران
حرکت کرده همینکه خط آهن بیابان
میرسد مسافرت در جاده کاروان
روئی شروع میگردد که یکی از
قدیمی ترین راهها بشمار رفته
و هنگامیکه چنگیز خان سردار مغول
در طی حمله و یورشهای خود بطرف
باختر، اهالی شهر با عظمت ری را
قتل عام کرد نجات یافته گان و فراریان
آن شهر ویران شده از همین راه
گریختند.

این راه از سرزمین هائی میگذرد
که منظره آنها یک نواخت بوده

قطر گاهگاهی در سر راه، مسافرین چند کلبه گلی را
میبینند که برنگ خاک بیابان بوده و تشکیل آبادی
کوچکی را میدهد. همینکه وارد یکی از این
آبادیها میشود سگها بشدت شروع به پارس
کردن نموده، دهکده خاموش را بصدا در میاورند.
از پشتبام خانه ها زنان و مردان با قیافه های
آرام و بدون هیچگونه کنجکاری بیائین نگرسته
و بچه های کوچکی که لباس های رنگارنگی به
تن کرده و دارای شکم های برآمده هستند
دستها را تکان داده و مسافرین را خوش آمد
میگویند. همینکه بغداد را با قافله های شتر آن
به عقب گذاشته و به مسافرت خود شروع
میکنید مناظر راه تدریجاً تغییر میکند بیابان
سنگلاخ تبدیل به شنزار شده و زمین صاف
مبدل به تپه های خشکی میگردد که زمانی جاده
از وسط آنها بیچ خورده و گاهی از میان دره های
عمیق میگذرد.

Coming into the country as I did, from the Baghdad rail-head, you plough laboriously across the old caravan trail—one of the oldest in history—along which fled the relics of a mighty massacre when Genghiz Khan, sweeping westwards across the widening plains, destroyed the great city of Rey.

The trail beats on across monotonous country, un-relieved save by an occasional cluster of mud huts camouflaged against the mud-coloured desert: and as you jolt through in a cloud of dust, dogs bark furiously and bring the dead village to life: strange, un-inquisitive faces look down from the roofs of flat-topped houses and fair-faced, pot-bellied children dressed in gay rags and tatters wave an energetic greeting. As Baghdad, with its jangling camel convoys, falls behind, the scenery gradually changes: the pebbly desert turns to sand, and the flat land to sun-scorched sand-dunes out of which the track twists and



A charming village on the cool slopes of the Elburz mountains.

یکی از دهات روح بخشی که در دامنه های البرز قرار دارد

در تمام طول راه یگانه مصاحب من و تنها چیزی که بچشم دیده میشد سیم تلگرافی بود که بروی آن برندگان رنگارنگی نشسته بودند و اگر بخاطر آنها نبود بیگمان تصور میکردم که در سیاره غیر مسکونی مسافرت مینمایم. دورادور مرا تپه هایی که اشکال ترس آوری داشت فرا گرفته و همینکه به بالای یکی از تپه های کوچک میرسیدم باز در مقابل خود منظره شنزارهای بی پایانی را میدیدم. از دیدن این مناظر آنقدر در خود احساس تنهایی میکردم که گوئی در یکی از سواحل خلوت و ساکت انگلستان به استحمام مشغولم.

سر انجام به مرزهای ایران رسیدم. در اینجا در وسط اراضی خاموش و ساکت خود را در مقابل گمرک خانه مدرنی می بینید که چون قصری در میان یک رویای نیمه فراموش شده بنظر میآید از این بعد مناظر تغییر میکند. تپه های کوچک جای خود را به زمین های سنگلاخی میدهد که در آن صخره های خاکستری رنگی دیده میشود که در فصول بهار و تابستان مسیر نهرها و رودخانه هایی است که از کوهستانهای نزدیک سرچشمه میگیرند. از این نقطه مسافرت شما در جاده صعب العبوری صورت میگیرد و پس از رسیدن به نوک یکی از این تپه ها که دارای سرایشب زیادی است در برابر خود در زیر آسمان آبی و طلائی رنگ باشکوه غروب آفتاب سلسله کوهستانهای مرتفعی را میبینید که سنگهای آن برنگ قهوه ای مایل بسرخ بوده و چون دیوار عظیم و ترس آوری تا چشم کار میکند

۳۶ - آهنگ

from
of th
hars
Bush
the
the
the
foot
mile
carp
flow
sum
relie
othe
such
of D
war
with
scor
30

climbs and falls again round hairpin bends, through deep ruts and gorges.

Into this desolation I followed the solitary telegraph wire which had been my companion since Baghdad; perched upon it were scores of raucous, multicoloured birds, but for whom I might have been a traveller on a lifeless planet. All around stretched the dunes, twisting themselves into eerie shapes, so that no sooner was I at the top of one hillock than I was confronted by another vista of unending sand. I remember feeling as lonely as when going down to bathe at low tide at Weston-super-Mare!

Then, at the Iranian frontier, where in the midst of desolate country you are confronted by the strange spectacle of a modern customs house rising like a palace in some half forgotten dream, the scene changes, and dunes give way to red-grey rock and stony ground, traversed in spring and winter by racing streams and *wadis* from the nearing mountainside. All

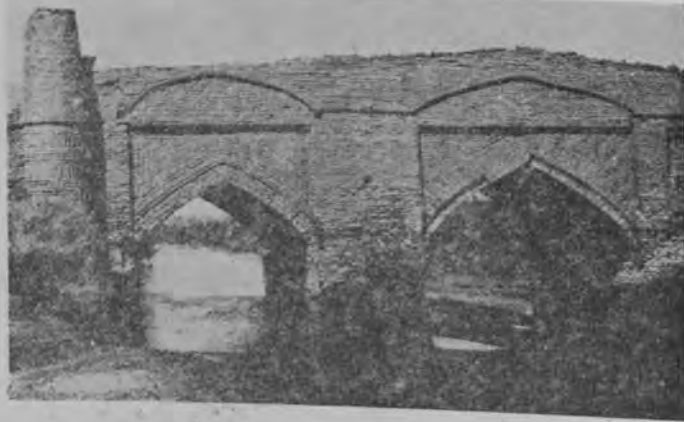
بدون وقفه بطرف شمال امتداد داشته و در قبال آن تپه های شنی بسی کوچک و ناچیز بنظر میآید این کوهستانها بر تمام چیزهایی در که پای آن واقع است از جمله شهر کرمانشاه مشرف بوده و سایه سرد خود را بر آن میافکنند . سلسله جبال مزبور کلید و راه ورود به فلات ایران است و بر فراز آن در امتداد راه کاروانروی قدیم مهندسین راه جدیدی ساخته و در این مهم کمال هنرمندی را بکار برده اند . مہارت این اشخاص بهیچوجه از غریزه و هوش مسافریین اولیه که از این کوهستانها نهراسیده و برای نخستین بار پس از صعود از قله آن فلاتی را که در پس آن بود کشف کردند دست کمی ندارد . بدینطریق امروز در این قسمت ها جاده مدرنی وجود دارد که در اطراف آن هیچگونه حائلی وجود نداشته و بطور مارییج تا ارتفاع ۸۰۰۰ پا بالا رفته

و از بیچ ها و گردنه هائی میگذرد که در ته آنها اتومبیلهای شکسته و احياناً نفت کش های خرد شده شرکت نفت بنظر آمده و انسان را بیاد خطرات اتومبیل رانی حتی در جاده های مدرنی مثل جاده فوق میاندازد . از قله این گذرگاه تا چشم کار میکنند جلگه هائی بنظر میرسد که در زیر آفتاب طالع بطرف شرق امتداد دارد .



Merchants' cars parked in a Tehran Square are typical of business life in modern Persia.

اتومبیلهای بازرگانان که در یکی از میدانهای تهران توقف نمود نمونه کامل ای از حیات تجاری ایران امروز میباشد



The old still lingers in many of the bridges which have a beauty Persia will be loath to lose.

سبک معماری باستانی ایران هنوز در بسیاری از پل‌های آن کشور مشاهده میشود. اینگونه پلها واجد زیباییهایی است که ایران همیشه آنرا حفظ خواهد کرد

day now you will travel along the tortuous road until, coming over a more than usually abrupt hilltop, there lies before you, suddenly outlined against a magnificent sunset sky of clear blue and gold, a sheer wall of harsh, russet rock, a menacing chain of mountains, stretching unbroken to the northernmost horizon. These mountains dominate everything before them. They flatten out the paltry sand dunes, and cast their cold shadow over Kermanshah straggling at their feet.

For this range is the key to the Iranian Plateau. Over it, following the old caravan route, engineers have fashioned a marvel of workmanship; their skill is scarcely less miraculous than the instinct of those first travellers who, undaunted by the sheer rock face, found their way to the summit and down to the hidden plain. So today, there climbs over the range a smooth unbanked road, which takes one, snake-like, up 8000 feet or more, past bends and gorges, at the bottom of which wrecked cars, and occasionally one of the oil companies'

هنگامیکه مزارع غله کاملاً رسیده و ساقه‌های گندم و جو زرد میشود منظره بدیعی ایجاد میگردد باد ملایمی وزیده مزارع گندم و آجو را که در زیر اشعه تابان آفتاب مبدرخشد بحرکت درآورده و شخصیکه ناظر این منظره بدیع است چنانستکه بر دریای مواجی از طلا مینگردد. در هیچ نقطه کشور بهتر از اینجا نمیتوان فهمید که چگونه هنرها و صنایع ظریفه ایران رنگهای کنونی را بخود گرفت و چطور کاشی کاریهای آبی، مساجدیی که دارای گنبدهای طلائی است، رنگ‌های قرمز و سرخی، که در جامه پادشاهان

و امیراطوران گذشته این کشور بکار رفته بوجود آمد و چه چیزی سبب شد که در مینیاتورهای ایران آنهمه ریزه کاری‌ها شده و صرف دقت گردد. غروب و طلوع آفتاب در ایران منظره خاص و دل‌انگیزی دارد. در الوان آن هیچگونه اختلاف جزئی وجود ندارد. هر رنگی بطور روشن و معین دیده میشود. مثل اینستکه میتوان بازو کشوده آنرا از محل خود در آسمان گرفته و در آغوش کشید. هر پرتگاه، هر صخره، حتی تیر تلفونی که از دور نمایان بوده و یگانه نشانه تمدن، است در زیر آسمان صاف و در پرتو رنگ‌های گوناگون بطرزی خاص جلوه‌گر میگردد و در همه جا این روشنی بطور وضوح دیده میشود. وقتی که به این مناظر نگرسته و کمی فکر کنید به منشاء اصلی و ماهیت هنرهای ظریفه ایران بهر شکل و فرمی باشد بی‌برده و بوسیله آن قادر خواهید شد که

۳۳- آهنگ

climb
throu
In
telegr
since
of ran
I mig
plane
ing t
soone
was c
sand.
going
super
T
midst
by th
hous
drear
to re
in sp
wadi

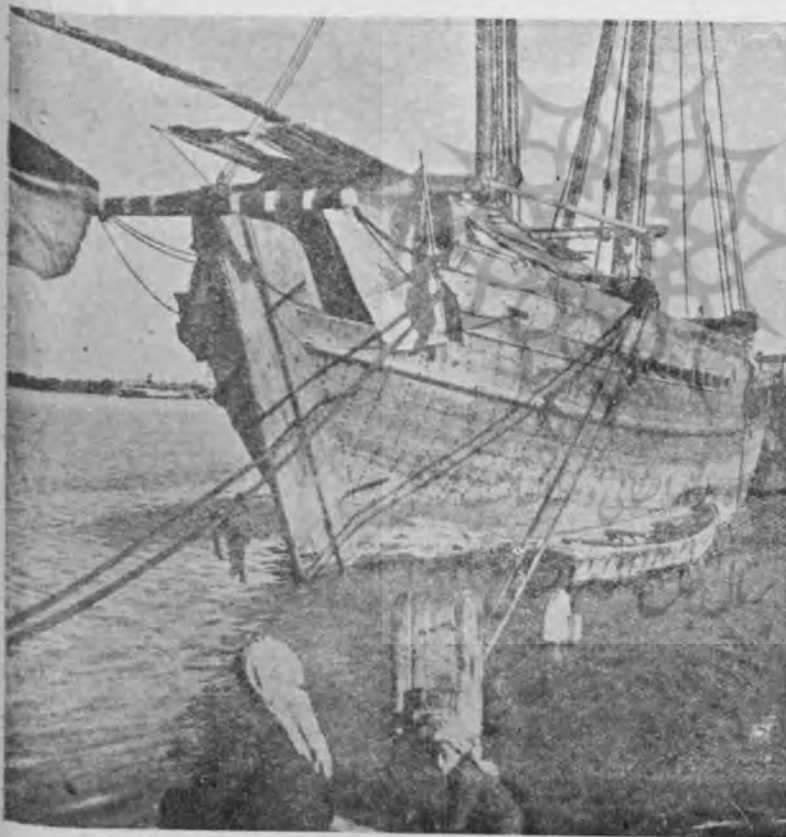
great tanker lorries, bear witness to the dangers of travel even on such modern roads as these. From the summit of the pass the plains stretch eastwards as far as one can see towards the rising sun.

To stand there when the wheat is ripening far below is to look out over a sea of gold, swayed by the wind which catches at the yellow stalks and sets them shimmering in the sun. Nowhere in the country can you realize more clearly how Persian art acquired its colour, light blue tiles, gold-covered mosques; the splash of red and scarlet in the robes of long dead emperors and kings, or what gave to Persia that wonderful, intricate detail, that microscopic clarity that can be seen in her

مشخصات اصلی صفات ایرانی را که عبارت از عشق به زندگانی تغییر ناپذیر، عشق به ترادیسیمون و محافظه کاری باشد درک نمائید. زیرا از آنجا که هنرهای ایران الهام خود را از طبیعت میگیرد بدیهی است این هنرها طبیعتاً مترجم و نماینده صفات ایرانی است.

بروید و سری به کارگاههای اصفهان سال ۱۹۴۰ بزنید. در آنجا پیر مرد باوقاری را خواهید دید که در اطاق نیمه تاریکی، بروی میزکار خود که هنرمندان تسل های پیش روی آن کار کرده اند خم شده و با دقتی بی پایان

جزئیات و قسمت های باریکتر ز موی یک میناتور را ترسیم میکند. ذره بینی بدست گرفته و کار این هنرمند را با آثار نظیر کارهای او که در موزه های خصوصی جهان یافت میشود مقایسه کنید و ملاحظه خواهید کرد که در طرز رنگ آمیزی و موضوع میناتور کمترین اختلافی دیده نمیشود. این نقاشی ها عبارت از تصویر پادشاهان و معالک مختلفه، بانوان نقابدار قصر، مرد شکارچی شاهین خود، یک سگ و شاید چوگان بازانی از ملازمین شاه عباس است که در روی صفحاتی از عاج صیقلی



An old-fashioned fishing boat on the Caspian Sea.

یک قایق ماهی گیری در دریای خزر

miniatures. The Iranian sunrise or sunset contains no nuances; every colour is fixed, tangible almost, as though one could reach forth an arm and pluck it from its assigned position in the sky. Each crag, each rock, even the distant telephone wire, the one frail link with 'civilization', stands sharp-cut against the sky. Everywhere this clarity is intense; to see it is to grasp the key to Persian art in whatever shape or form, and through that to grasp the dominant feature of the Persian character—love of the unchangeable, love of the traditional, conservatism. For as Persian art draws its inspiration from nature herself, this art is naturally the interpreter of the Iranian character.

Go into the ateliers of Isfahan and you will find, bent over a trestle table in a dim-lit room, where generations have worked before him, a white-robed, bearded, dignified old man who, with infinite delicacy of touch, is adding the last details to a new miniature. Compare his work—and you will require a magnifying glass to seize the full value of it—with that of any you will find in museums and private collections throughout the world, and you will see that the tone and subject matter, within a few self-set limits, never alter. Crowded onto ten square inches of polished ivory are kings and courtiers sad-faced veiled ladies of the Palace, a huntsman with his falcon, a dog, perhaps a polo player from the retinue of Shah Abbas. Where is the modern soldier, whom war brought to Isfahan? Where are the symbols of progress, which even 18th century painters in other lands delighted to portray? They are absent: probably because they disturb the harmony of true Persian art and thought.

And yet, Iran boasts a railway which in itself is a wonder of engineering; she has an Army, Navy and Air Force; a postal system; wireless stations; a modern police force dis-

شده که پهنای آن تا ده اینچ مربع میرسد رسم گردیده. کجا است سرباز مدرنی که جنگ اورا به اصفهان آورد؟ کجا هستند آن گل های سرسبد پیشرفت و ترقیات جدید که حتی نقاشان قرن هیجدهم با مسرت خاطر به تصویر آنها پرداختند. از اینگونه نقاشی ها در ایران دیده نمیشود بدلیل اینکه با روح حقیقی هنرهای ظریفه و افکار ایرانی سازگاری نداشته و هم آهنگ نیست.

با وجود همه اینها ایران از کاروان تمدن جدید عقب نمانده، راه آهن این کشور از از شاهکارهای مهندسی جهان است. ایران دارای ارتشی مرکب از نیروهای زمینی، دریائی و هوائی میباشد و واجد سیستم پستی ایستگاههای تلگراف بیسیم و نیروی پلیس مدرنی است که دوسراسر کشور پراکنده بوده و راههای ورودی و خروجی هر شهر و دهکده را زیر نظر داشته و در قلع و قمع قبایل باشی و راهزن که حتی تا چند سال پیش مزاحم مسافری جنوب و ایران بودند میکوشند. ایران در حقیقت دارای تمام چیزهائی است که یک کشور قرن بیستم ممکن است هایل به داشتن آن باشد تا اساس تشکیلات سیاسی خود را بر آن قرار دهد و از نظر سیاسی تا اندازه شیبه به جمهوری بر تعلق است که بجای سالار شخص شاه در رأس آن قرار دارد.

بیشرفتهای اخیر که در توسعه راه آهن ایران بوجود آمده سبب بوجود آمدن راههای بازرگانی بین خلیج فارس و سواحل بحر خزر گردیده است. گذشته از آن راههای اتومبیل رو که مرتباً در آن اتومبیل های باری کار کرده

۲۵- آهنگ

persed throughout the kingdom supervising the entrance and exit of every town and hamlet, stamping out the brigands and bandit tribes who, even a few years ago, made travelling in south and east Iran far from peaceful. Here in fact there is everything which a 20th century state could desire as the basis for her political structure; and, politically, Iran somewhat resembles the Republic of Portugal with a Salazar in the person of Shah.

The recent development of railways has opened up trade routes across the Caspian and down the Persian Gulf; the motor car, and with it a very profitable lorry-borne trade, is increasing possibilities of commerce to north and south, while the extension of air-lines from west to east offers new and tempting opportunities to a country whose potential natural wealth (minerals, fruit, the silver trade, textiles) still waits to be developed.

But fundamentally Iran is still in transition. She will move with increasing speed towards the full fusion of Western and Middle Eastern civilizations; and the result, as in Turkey, will be the absorption into a great civilization of the past of the amenities, scientific and social, of the 20th century.

In Iran, too, fashions and rooted habits have changed as if some magician had waved his wand over the whole country: streamlined American cars now replace donkey-carts, camel convoys and strolling merchants; modern schools, such as the splendid college on the outskirts of Tehran, are filling the gaps in technical and scientific education: metalled roads are bridging hitherto impassable stretches of desert, uniting the Iranian people as they have never before been united: hospitals equipped on the most up-to-date lines bring relief to a country which formerly had an alarmingly high death rate.

و کالاها را حمل میکنند تسهیلات بیشتری در تجارت بین جنوب و شمال ایجاد کرده . در عین حال توسعه خطوط هوایی بین باختر و خاور فرصت های جدیدی در اختیار کشوری میگذارد که هنوز ثروت های طبیعی آن (معدنیات - میوه ها - تجارت نقره و منسوجات) در انتظار توسعه بیشتری است .

ولی بطور کلی ایران هنوز یک مرحله تغییر و تبدیلی را می پیماید . این کشور با سرعت زیاد بطرف ترکیب کامل یک تمدن باختری با تمدن مخصوص خاور میانه پیش میرود و نتیجه آن همانطور که در وضع ترکیب مفهوم است عبارت از افزوده شدن ترتیبات اجتماعی و تسهیلات علمی جدید قرن بیستم با یک تمدن بزرگ گذشته خواهد بود .
در ایران رسوم و عادات اهالی فرق کرده گوئی جادوگری عصای خود را بروی تمام کشور کشیده است . اتومبیلهای آخرین سیستم امریکائی جای گاری ها - قافله های شتر و سوداگران دوره گرد را گرفته است . مدارس جدید نظیر دانشکده های با شکوهی که در خارج تهران قرار دارد نقائص فنی و علمی آموزشی کشور را رفع میکند . جاده های شوسه مسافرت در بیابانهائی را که تا بحال غیر قابل عبور بود ممکن ساخته و مردم ایران را بطورزی باهم متحد کرده که تا کنون نظیر آن دیده نشده . بیمارستانهائی که با تازه ترین آلات و ادوات امروزی مجهز گردیده باعث فراهم آوردن وسائل سلامتی و آسودگی برای اهالی کشور گشته که تا چندی پیش میزان متوفیات آن بمقدار هولناکی میرسید .